

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۷

جمعه ۱۹ مهر ۱۳۹۸، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۹

شهلا دانشفر

کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند

صفحه ۶

موجی از همبستگی با
مردم لردگان به راه
افتاده است

صفحه ۷

یاشار سهندی

نیشکر هفت تپه، مدرسه
اعتصاب، مدرسه آگاهی

صفحه ۸

کشتار ۶۷ یک جنایت
بزرگ علیه بشریت بود

گفتگو با کاظم نیکخواه

صفحه ۹

اطلاعیه های دیگر در صفحات ۱۱ و ۱۲

در حمایت از خیزش مردم عراق برای دستیابی به زندگی انسانی و علیه جمهوری اسلامی

مردم عراق در جدال و مبارزه برای خلاص شدن از شر یکه تازی دستجات اسلامی و قومی و مرتجع بار دیگر بپا خاسته اند. اکنون بیش از یک هفته است که در هفت استان عراق شاهد خیزش جوانان خشمگینی هستیم که به مصاف باندهای اسلامی و قومی حاکم رفته اند. جوانان معترض علیه فقر، بیکاری، بی برقی، بی آبی، علیه فساد و دزدی و غارت ثروت کشور، علیه دستجات و باندهای اسلامی و قومی مرتجع حاکم که کشور را به فقر و برده اند برخاسته اند و در خیابانها خطاب به حاکمین فریاد میزنند: "دزدان ما را غارت میکنند"، "حکومت باید برود! احکام وحشت ادامه در صفحه ۲

حمله نظامی ارتش ترکیه به مردم در شمال سوریه جنایت علیه بشریت و شدیدا محکوم است!

درست یک روز بعد از تویت ترامپ در باره خروج نیروهای نظامی آمریکا از شمال سوریه، دولت فاشیست ترکیه به رهبری اردوغان حمله ددمنشانه ای را از زمین و هوا علیه مردم کردستان شمال سوریه آغاز کرده است. اردغان فاشیست اسم رمز این یورش خونین به مردم را "چشمه صلح" گذاشته است. این "چشمه صلح" که از آن خون میجوشد بی تردید با چراغ سبز آمریکا و روسیه و با تباری پشت پرده میان قدرتهای مرتجع منطقه سرباز کرده است که در متن خیزش مردم سوریه در ۲۰۱۱ جنگ نیابتی خود را آغاز کردند و بر روی جنبش حق طلبانه مردم ادامه در صفحه ۲

محمد آسنگران

کردستان سوریه و تحولات پیش رو

صفحه ۳

عراق در خیزش و التهاب

متن گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه

صفحه ۴

اطلاعیه خبری شماره ۱۸:

با ادامه اعتراضات تمامی دستگیر شدگان اخیر هفت تپه آزاد شدند

پنجشنبه ۱۸ مهر کارگران نیشکر هفت تپه در هجدهمین روز اعتراضاتشان در محوطه شرکت تجمع کردند. این کارگران خواستار امنیت شغلی، پایان دادن به دزدی های پشت پرده تحت عنوان خصوصی سازی، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و بازگشت به کار سه همکار اخراجی خود هستند. یک خواست کارگران آزادی فوری همکاران دستگیر شده شان بود که زیر فشار اعتراضات خوشبختانه تمامی کارگران دستگیر شده اخیر یعنی محمد خنیفر، ابراهیم عباسی منجزی، یوسف بهمنی، ایمان اختری، محمود خدایی و مسلم چشم خاور آزاد شدند. کارگران هفت تپه بر آزادی اسماعیل بخشی و دیگر دستگیر شدگان مرتبط با هفت تپه و بسته شدن پرونده های امنیتی علیه کارگران تاکید دارند. یادآوری کنیم که محمد خنیفر در بیدادگاه جمهوری اسلامی همراه اسماعیل بخشی و حامیان هفت تپه محاکمه گردید و به شش سال حبس محکوم شد.

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۸ مهر ۹۸، ۱۰

اکتبر ۲۰۱۹

از صفحه ۱

حمله نظامی ارتش ترکیه به مردم در شمال سوریه جنایت علیه بشریت و شدیداً محکوم است!

سوریه خون پاشیدند. اردوغان اعلام کرده است که هدفش از این یورش نظامی ایجاد "منطقه امن" در نوار مرزی و اسکان چند میلیون آواره سوری و پاک کردن منطقه از "تروریستهای کرد و داعش" است. بی شرمی این جنایتکاران حد و مرزی ندارد. اهداف اصلی اردوغان و هیئت حاکمه جنایتکار ترکیه، ویران کردن کانتون‌هایی که توسط "حزب دمکراتیک مردم سوریه" و "یگانهای مدافع خلق" اداره میشوند؛ ایجاد منطقه امن برای یک تازی "ارتش آزاد سوریه" و دسته های مسلح اسلامی سر به ترکیه از قبیل "احرار شام"؛ فراهم کردن میدان برای ابراز وجود مجدد بقایای داعش آدمخوار که مورد حمایت دولت ترکیه بوده اند و توسط یگانهای مدافع خلق تار و مار شدند؛ و بالاخره ظاهر شدن به عنوان یک نیروی دست بالا در رقابت‌های خونین منطقه میان دول ارتجاعی است. اردوغان میخواهد هم از مدافعین جسور کوبانی و هم‌زمانش که پوزه داعش مورد حمایت این جنایتکار را به خاک مالیدند انتقام بگیرد و هم دست دولت ترکیه و باندهای مسلح اسلامی مورد حمایتش را در شمال سوریه باز کند و نهایتاً موقعیت دولت ترکیه بر سر سهم خواهی از رقابت‌های منطقه ای را تقویت کند.

با این هجوم نظامی به مردم کردستان در شمال سوریه، یک فاجعه بزرگ انسانی در حال وقوع است. کشتارهای وسیع، میلیونها آواره، ویرانیهای گسترده، میدان پیدا کردن دستجات مسلح اسلامی در مناطقی که مردمش با مقاومت و مبارزه ای شجاعانه توانسته اند دست داعش و نیروهای مخوف اسلامی را از زندگیشان دور کنند در انتظار مردم است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این لشکرکشی وحشیانه دولت ترکیه را شدیداً محکوم میکند؛ خود را در کنار مردم ستمدیده، آزادیخواه و مبارز کردستان سوریه و مقاومت بحق و مسلح آنها در مقابل تجاوز نظامی و جنایتگری دولت ترکیه میداند و بشریت آزادیخواه، مردم انساندوست دنیا، نیروهای پیشرو، نیروهای چپ و کمونیست را فرا میخواند که به این جنایت آشکار علیه بشریت که مجرمانش همه دول مرتجع منطقه و حامیان جهانیان و مجرم اصلیش اردوغان و هیئت حاکمه ترکیه هستند به میدان بیایند.

تنها با اعتراض قدرتمند و گسترده و جهانی به بند و بسته و معاملات دول مرتجع جهان و منطقه و تهاجم و تجاوز نظامی ترکیه میتوان به اردوغان زنجیر پاره کرده و هیئت حاکمه فاشیست ترکیه افسار زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مهر ۲۰۱۹

۱۰ اکتبر ۲۰۱۹

از صفحه ۱

در حمایت از خیزش مردم عراق برای دستیابی به زندگی انسانی و علیه جمهوری اسلامی

زده عراق که وابسته به مجلس اعلاى اسلامی هستند برای مقابله با مبارزه حق طلبانه مردم دچار سرگیجه و تشمت شده اند. باندهای مسلحشان را به جنگ معترضین گسیل میکنند و در عین حال وعده های پوچ میدهند و همزمان در خیلی جاها حکومت نظامی اعلام کرده اند. هیچکدام از این تلاشها و تقلاها نتوانسته است مردم را به خانه بازگرداند. خیزش مردم همچنین رهبران اسلامی را وحشت زده کرده است. مقتدا صدر و سیستمی بعد از چند روز سرگیجگی تلاش کردند خود را با اعتراضات همسو نشان دهند و سوار موج اعتراضی شوند. در کنار حکومت عراق، اعتراض و ابراز خشم و نفرت نسبت به جمهوری اسلامی و دستجات مزدور آدمکش وابسته به آن نظیر حشد الشعبی یک جنبه مهم از اعتراضات است.

مبارزه امروز جوانان عراق ادامه خیزش بزرگ قبلی است که زنان در پیشاپیش آن بودند و با شعار "نه شیعی نه سنی، مدنی مدنی" خواهان بیرون ریختن ارتجاع اسلامی از صحنه زندگیشان شدند. این خیزش و جنبشی است که مستقیماً به خیزش مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیوند دارد و اینها بر یکدیگر تاثیر مستقیم دارند. جمهوری اسلامی و کل ارتجاع اسلامی

آتش کشیدند و فریاد زدند: "بغداد حرة حرة، ایران، برة برة" (بغداد آزاد آزاد، ایران بیرون بیرون).

سران جمهوری اسلامی حتی بیشتر از حکام عراق از اعتراضات گسترده مردم عراق به وحشت افتاده اند. دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی "دستهای خبیثی" را پشت این اعتراضات می بیند که "میخواهند ثبات عراق را بر هم بزنند"؛ قاضی القضاة جلالاد حکومت عصیان جوانان عراق را حرکتی برای خراب کردن "مراسم اربعین" میدانند؛ بالاخره سران جمهوری اسلامی با بیشرمی تمام عصیان تهیدستان برای کار و سرپناه و آب و برق و کرامت انسانیشان را به ارادگی از جنس خودشان یعنی شیوخ میلیاردر حاکم در عربستان نسبت میدهند.

جمهوری اسلامی از اعتراضات گسترده مردم در عراق وحشت دارد چون با پیروزی مردم عراق هم دست حکومت اسلامی و باندهای تروریست اسلامی شیعی از عراق کوتاه میشود و هم کل ارتجاع اسلامی در منطقه به لرزه مرگ می افتد و موج اعتراض و انقلاب در ایران را نیز تقویت خواهد کرد.

مبارزه امروز جوانان عراق ادامه خیزش بزرگ قبلی است که زنان در پیشاپیش آن بودند و با شعار "نه شیعی نه سنی، مدنی مدنی" خواهان بیرون ریختن ارتجاع اسلامی از صحنه زندگیشان شدند. این خیزش و جنبشی است که مستقیماً به خیزش مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیوند دارد و اینها بر یکدیگر تاثیر مستقیم دارند. جمهوری اسلامی و کل ارتجاع اسلامی

باید از صحنه عراق و ایران و تمام منطقه جارو شود. این پیام خیزش مردم عراق و اعتراضات هرروزه مردم در ایران است. با اتحاد و همبستگی و هوشیاری میتوانیم در آینده ای نه چندان دور شاهد جمع شدن بساط آدمکشان و دزدان اسلامی و مرتجع از زندگی مردم باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران همبستگی عمیق خود با مبارزه حق طلبانه مردم عراق را اعلام میکند و مردم ایران و جهان را به همبستگی با مردم عراق فرامیخواند.

زنده باد خیزش

حق طلبانه مردم عراق

زنده باد اتحاد مردم

آزادیخواه و برابری طلب

ایران و عراق علیه دو

حکومت فاسد

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۷ مهر ۱۳۹۸

۱۹ اکتبر ۲۰۱۹

زنده باد اتحاد مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران و عراق علیه دو حکومت فاسد

محمد آسنگران

کردستان سوریه و تحولات پیش رو



تحولاتی که در مناطق کرد نشین شمال سوریه اتفاق افتاده است و به صدر اخبار رسانه ها رسیده است با یک توییت ترامپ آغاز شد. ترامپ روز هفتم اکتبر بعد از یک مکالمه تلفنی با اردوغان در توییت خود نوشت نیروهایش را از سوریه خارج میکند. بلافاصله اردوغان اعلام کرد به کردستان سوریه حمله میکند تا منطقه ای امن درست کند و این منطقه امن حائلی بین دو کشور سوریه و ترکیه باشد. درست کردن یک منطقه امن بهانه ای برای اردوغان بوده است که منطقه کرد نشین تحت حاکمیت نیروهای مسلح کردستان سوریه را از بین ببرد. اردوغان این فرصت را بعد از سالها در توافق با آمریکا به دست آورد و بعد از مکالمه اش با ترامپ اعلام کرد بزودی حمله به مناطق کرد نشین شرق فرات را آغاز میکند.

ترامپ بعد از توافقش با اردوغان در توییت خود اعلام کرد: " زمان آن رسیده است که ما از این جنگ های مسخره و بی پایان، که بسیاری از آنها قبیله ای هستند، خارج شویم. ترکیه، اروپا، سوریه، ایران، عراق، روسیه و کردها باید این وضعیت را خودشان حل کنند."

کاخ سفید بلافاصله با انتشار بیانییه ای صریحا اعلام کرد که: "نیروهای آمریکایی از عملیات ترکیه حمایت نمی کنند و از نیروهای مسلح کردستان سوریه هم حمایت نمی کنند." در این بیانییه همچنین آمده است که "

نزدیک به پ.ک.ک میباشد. بعد از توییت ترامپ مبنی بر تخلیه نیروهایش از کردستان سوریه و تهدید اردوغان برای آغاز جنگ با نیروهای مسلح کردستان سوریه، موجی از مخالفت رهبران هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه آمریکا علیه ترامپ رسانه ای شد. بعد از این مخالفتها ترامپ یک قدم عقب نشست و گفت اگر حمله ترکیه از محدوده مورد توافق او فراتر برود او اقتصاد ترکیه را نابود میکند.

مسائل فوق، نیروها و دولت های زیادی را به عکس العمل وادار کرد. جریانات ناسیونالیست کرد همگی اعلام کردند که آمریکا با پشت کردن به نیروهای مسلح کردستان سوریه به کردها خیانت کرده است. همه آنها بعلاوه افراد پراکنده ناسیونالیست کرد خواهان حمایت ترامپ از نیروهای مسلح کردستان سوریه هستند. دولت های اروپایی ضمن نارضایتی از سیاست ترامپ، از دولت ترکیه خواسته اند آتش جنگ دیگری در سوریه را روشن نکنند. جمهوری اسلامی و اسد و روسیه که در مناقشات سوریه با همدیگر همکاری میکنند، مخالفت نرم خود را رسانه ای کرده اند. این دولت ها منتظر حمله ترکیه هستند. بدشان نمی آید که ترکیه نیروهای مسلح کردستان سوریه را شکست بدهد و در بده بستان با اسد مناقشات خود را حل و فصل کنند. با این تحولات سرنوشت کردستان سوریه در پرده ای از ابهام فرو رفته است.

سرنوشت کردستان سوریه چه میشود؟ این سوال مهمی است اما پاسخ به آن چندان آسان نیست. بر بستر سیاست و

استراتژی جریانات حاکم در کردستان سوریه و چراغ سبز ترامپ برای حمله ترکیه به کردستان سوریه سرنوشت کردستان سوریه با ابهام زیادی مواجه شده است. این سوالی است که ناظران در جهان به دنبال پاسخ آن هستند. ابتدا باید بگوییم که سرنوشت کردستان سوریه به هر جا ختم بشود در قدم اول باید سیاست دولت ترکیه را قبل از هر چیز محکوم کرد و جنایتی که در دست اجرا دارد نباید بی پاسخ بماند. باید مانع کشتار و آوارگی مردم کردستان سوریه شد. زیرا جنگ مردم این منطقه را با مصائب بیشتری مواجه میکند. مردم آزادیخواه جهان باید در مقابل این توحش و قلدری اعلام شده اردوغان و چراغ سبز ترامپ به آن قدم علم کنند و مانع جنگ و خونریزی و لشکر کشی به این منطقه بشوند.

ترکیه گفته است میخواهد عملیاتی به اسم "عملیات صلح" در کردستان سوریه انجام بدهد تا "تروریستها" را از بین ببرد و منطقه امنی در شمال سوریه درست کند. ترکیه نیروهای مسلح کردستان سوریه را تروریست مینامد. بحث این است که اردوغان مدعی است این منطقه امن باید تا عمق ۳۰ کیلومتری خاک سوریه در شرق فرات را شامل بشود. این یعنی اشغال کردن کل شهرهای اصلی کردستان سوریه. همزمان گفته است میخواهد ۳ میلیون آواره و پناهنده سوری ساکن ترکیه را در این منطقه اسکان بدهد. اگر این اقدامات عملی بشود سه میلیون پناهنده مردم عرب زبان سوریه به جای مردم بومی کرد زبان ساکن این منطقه اسکان میابند و مردم کرد زبان عملا و ناچارا

باید به دیگر بخشهای سوریه یا کردستان عراق پناه ببرند. اکنون احزاب حاکم در کردستان سوریه بجز انتظار و چشم به راه بودن برای تغییر تصمیم ترامپ برنامه جدی دیگری در دستور ندارند. اما واضح است اگر ترکیه حمله کند احزاب حاکم کردستان سوریه راه دوشمان این است که به دمشق پناه ببرند. اما دمشق نمیخواهد با ترکیه درگیر بشود همچنانکه در عفرین نشد. زیرا با این طرح ترکیه، اسد میخواهد سرنوشت عفرین در مناطق شرق فرات هم تکرار بشود. با این حال آنچه قابل پیش بینی است و آرزوی نیروهای حاکم کردستان سوریه میباشد مخالفت ترامپ در دو حزب حاکم آمریکا او را ناچار کنند از تصمیمش عقب بنشینند و اجازه ورود ارتش ترکیه به خاک سوریه را ندهند. حال باید دید کدام سناریو اجرا میشود. ادامه وضع موجود تا دور دیگر بحران یا پناه بردن به دمشق و از دست دادن حاکمیت بر این منطقه.

بن بست استراتژی ناسیونالیستی

واقعیت این است ما همان سال ۲۰۱۲ اعلام کردیم با سیاستی که حزب پی.ی.د و نیروی مسلح آن ی.پ.گ دنبال میکنند سرنوشت کردستان سوریه را با مخاطرات زیادی مواجه میکنند. زیرا آنها سرنوشت کردستان سوریه را به سیاستهای پ.ک.ک.گره زدند. نزدیکی آنها با پ.ک.ک. این سرنوشت را برای آنها رقم زده است. از همان ابتدا روشن بود که نقش پ.ک.ک. و سیاست اوچلان نمیتوانند آینده ای روشن برای کردستان سوریه به ارمغان

کردستان سوریه و تحولات پیش رو

بیاورند. متأسفانه امروز آن آینده ناروشن و ابهام عمیق سایه خود را بر زندگی مردم کردستان سوریه گسترانده است و این مردم تحت ستم باید تاوان آنرا بدهند.

اجازه بدهید چند نمونه را یادآوری کنم که چرا سیاست پ.ک.ک مردم کردستان سوریه را با سرنوشت مبهم و ناروشن امروز مواجه کرده است. پ.ک.ک از روزی که دست به فعالیت زده است منافع و سیاست خود را با اتکا به دولتهای منطقه پیش برده است. ابتدا تحت حمایت حافظ اسد بود و بعداً امیدش را به اسد و جمهوری اسلامی گره زد.

پ.ک.ک از روز شروع فعالیتش منافع مردم کردستان ترکیه را در تقابل با منافع مردم غیر کرد تعریف کرده است. در ادبیات این حزب و احزاب اقمارش بجای رژیم یا حکومت ترکیه از کلمه ترک استفاده میکنند.

سیاست ترور و تک حزبی بودن در منطقه فعالیتش را چنان نهادینه کرده است که هر جریانی غیر از خودش را ترور یا تخطئه کرده است. حتی افراد و گرایشات اپوزیسیون درون خود را از بین برده است. هنگامیکه

سیاست مذاکره با اردوغان را در پیش گرفت منافع مردم معترض ترکیه را فدای سازش خود با اردوغان کرد. دوره ای که مردم معترض در میدان اصلی استانبول با نیروهای اردوغان درگیر شدند و احتمال پیروزی مردم کم نبود، پ.ک.ک و حزب متحدش حزب دمکراتیک خلقها در ترکیه به این مردم پشت کردند و غیر مستقیم

در کنار اردوغان قرار گرفتند. بعداً در پروسه بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با اردوغان جنگ شهری را علیه ارتش ترکیه آغاز کردند که با تلفاتی حدود ۶۰۰ نفر شکست خوردند. این سیاستها حزب دمکراتیک خلقها را هم زیر ضرب برد و تعداد زیادی از آنها دستگیر و روانه زندان شدند. در قطب بندیهای سیاسی محلی و منطقه پ.ک.ک و احزاب اقمارش در قطب اسد، جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در آغاز تظاهراتهای اعتراضی مردم سوریه علیه اسد آنها ساکت و روابطشان را با اسد حفظ کردند. در جنگ نیروهای مسلح کردستان سوریه با داعش، بخش زیادی از مناطق تحت تسلط نیروهای نزدیک به پ.ک.ک به دست داعش افتاد و شهر کوبانی بیش از هشتاد درصدش به دست داعش افتاد. در این مقطع بود که آمریکا به کمک آنها آمد و سقوط حتمی کوبانی را مانع شد و آغاز همکاری آمریکا با نیروی حاکم در کردستان سوریه با مخالفت اردوغان مواجه شد. زیرا میدانست که آنها بخشی از پ.ک.ک هستند.

نیروهای کردستان سوریه با تسلط شان بر مناطق شمالی سوریه به دو دلیل تحملشان برای دولت ترکیه ممکن نشد. یکی اینکه آنها خود را بخشی از نیروهای پ.ک.ک معرفی کردند. دیگری ایجاد منطقه ای خودمختار در همسایگی کردهای ترکیه سازمان داده بودند. این دومی الگویی است که اگر موفق بشود از نظر اردوغان مردم کردستان ترکیه هم اشتهای پیوستن و یا تکثیر آنرا در پیش خواهند گرفت. در دوره اوپاما سیاستی که آمریکا تعقیب

میکرد وصل کردن کردستان عراق و سوریه بود و میخواست منطقه تحت حاکمیت آنها به دریای آزاد وصل شود. با این سیاست هیئت حاکمه آمریکا و دولتهایی اروپایی میخواستند راه فروش نفت و گاز شمال عراق را به اروپا تسهیل کنند و مانع نفوذ روسیه بر بازار انرژی اروپا بشوند. این سیاست و حساسیت دولتهای رقیب باعث شد که روسیه و ترکیه به همدیگر نزدیک بشوند. زیرا با اجرای این سیاست روسیه بخشی از بازار فروش نفت و گاز اروپا را از دست میداد و ترکیه علاوه بر اینکه ترانزیت فروش نفت و گاز این منطقه را از دست میداد متوجه خطری شد که کردستان ترکیه هم به این پروژه وصل شود.

این نوع سیاست و دیپلماسی محدودنگرانه پ.ک.ک و احزاب اقمارش بلاخره روزی با این بن بست مواجه میشد و شد. زیرا دولتهای درگیر در این جدال دارای منافع اقتصادی و سیاسی بزرگتری هستند منافع بزرگتر خود را ترجیح میدهند. همچنانکه میبینیم ترامپ و روسیه و ایران و ترکیه همگی همین سیاست را دارند دنبال میکنند. تنها کسی که نتوانست بفهمد که این نوع اتحادها و این نوع پشت کردنها به مردم غیر کرد عواقب خطرناکی دارد پ.ک.ک و احزاب اقمارش بودند که امروز با بن بست استراتژیک مواجه شده اند.*

کمک مالی :

رضا اکبری از دانمارک
۵۰۰ کرون

عراق در خیزش و التهاب

متن گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه



کاظم نیکخواه

معیشت، اعتراض به فقر و اعتراض به فساد در دستگاه دولتی و همچنین اعتراض به دستجات اسلامی و تروریست شعار میدادند "نه شیعی، نه سنی، حکومت سکولار" یا شعارهای مشابه این. الان هم از بغداد تا شهرهای جنوبی که زیر سیطره دستجات شیعی است تظاهرات جریان دارد. یعنی در بغداد، کربلا، نجف، ناصریه، حله، بصره، عماره و شهرهای دیگری تظاهرات اعتراضات جریان دارد. مردم زندگی انسانی میخواهند و دارند اعتراض میکنند. این بهرحال واقعیتی است که مردم عراق بلند شده اند و تمکین نمیکند به دستجات مسلحی که با در دست داشتن اسلحه زندگی شان را به گروگان گرفته اند.

حامد صدرا: در صحبتهایتان خیلی کوتاه اشاره کردید به علل اجتماعی این تظاهرات و اعتراضات. یک کم بیشتر توضیح دهید خواست اصلی تظاهر کنندگان و یا خواستههای اصلی آنها در مورد چیست؟

کاظم نیکخواه: مردم به نبود خدمات اجتماعی بودیم. مردم در دفاع از

حامد صدرا: درود و وقت بخیر خدمت شما بینندگان گرامی. از روز سه شنبه ۹ مهرماه تظاهرات وسیعی در بغداد و سایر شهرها شروع شده که همچنان با قدرت بسیاری در حال ادامه و گسترش است. در مورد علل و زمینه های این تظاهرات با کاظم نیکخواه صحبت میکنم.

ابتدا در مورد کلیت موضوع صحبت کنیم. کشوری مثل عراق درگیر مسائل متعددی مثل بیکاری و فقر و هزاران مشکل اقتصادی و اجتماعی دیگر و یک تازی باندهای اسلامی دیگر در آن است. آیا انتظار میرفت که اینچنین شاهد تظاهرات و اعتراض مردم در عراق باشیم؟

کاظم نیکخواه: با درود به شما. فکر کنم منظورتان اینست که کشوری که اینچنین مورد تعرض قرار گرفته و دچار جنگ و درگیری و رقابت دستجات قومی و اسلامی و تروریستی بوده است شاید انتظار نمیرفت که اینچنین در آن مردم دست به تظاهرات و اعتراض وسیع بزنند. این واقعیتی است که کسی فکر نمیکرد مردم عراق در وضعیتی باشند که بتوانند خودشان را متحد کنند و تظاهرات کنند و خواستههای روشنی را مطرح کنند. اما این اول بار نیست که تظاهراتهایی در این ابعاد در عراق صورت میگردد. ما سال گذشته و سال قبلش شاهد تظاهراتهای بسیار وسیعی در شهرهای مختلف عراق بودیم. مردم در دفاع از

از صفحه ۴

عراق در خیزش و التهاب

اعتراض دارند. برق مدام قطع میشود، گاز و آب هیچکدام روال عادی ای در آن جامعه ندارد. بعلاوه مردم به فقر و به فساد در دستگاه دولتی اعتراض دارند. اینها چند سال است که در عراق موضوع اعتراض مردم است. مردم به چشم خودشان دارند می بینند که در آن جامعه ثروت هست اما در چنگ یک مشت جریانات مسلح و مفتخور است. امروز عراق با وجود درگیر شدن در سالها جنگ و غیره ثروت کم ندارد. علیرغم وضعیت ویژه ای که دارد نفت دارد تولید میشود. منابع و معادن بسیاری دارد و درآمدهای زیادی تولید میشود. اما هیچکدام در اختیار مردم نیست. دستجات مسلحی هستند. هر کدام روی یک چاه نفت، یا منابع و معادن دیگری چنگ انداخته اند و دارند از آن پول بالا میکشند. و مردم در فقر فزاینده و نا امنی و بی تامینی بسر میبرند.

اما یک نکته دیگر که موضوع اعتراض مردم است و بسیار برجسته است و به موضوعات اول ربط دارد اعتراض به خود دستجات اسلامی و مسلح است. بویژه حشد الشعبی و دستجات مزدور جمهوری اسلامی و خود جمهوری اسلامی موضوع اعتراض مردم است و میگویند جمهوری اسلامی باید از عراق بیرون برود. اعتراضات هم همانطور که اشاره شد عمدتاً در شهرها و مناطقی در جریان است که در دست جریانات شیعی و وابسته به جمهوری اسلامی است. حتی پرچم جمهوری

اسلامی را مردم آتش زده اند و علیه جمهوری اسلامی شعار میدهد که باید از عراق بیرون برود.

حامد صدرا: اشاره کردید به جبهه های اسلامی تند رو. به این بپردازیم که در صورت ادامه این تظاهرات و اعتراضات جریانات سیاسی در عراق بویژه آن جریاناتی که با جمهوری اسلامی در ارتباط هستند در چه وضعیتی قرار خواهند گرفت؟

کاظم نیکخواه: ببینید مردم میخواهند از سیطره تمام این جریانات خود را خلاص کنند. در نتیجه با این اعتراضات همه جریانات اسلامی و قومی زیر فشارند. حتی سیستانی و مقتدا صدر با اینکه با تظاهرات مردم بدرجه ای موضوع اعتراض مردمند. الان شنیدیم که جمهوری اسلامی یک عده پاسدارانش را در پوشش های دیگری به عراق روانه کرده که توان مقابله با اعتراضات را داشته باشد. پاسداران قرار است در کنار حشد الشعبی که الان بشدت منفور است با اعتراضات مقابله کنند. در این مدت تا کنون یعنی روز دوم و سوم تظاهرات دهها نفر کشته شده اند و صدها نفر زخمی شده اند. عادل المهدی نخست وزیر عراق و دولت او که وابسته به مجلس اعلاى اسلامی عراق است و دست در دست همین جریانات اسلامی دارد نیزمورد اعتراض مردم است. و مردم میخواهند خودشان را از کل اینها خلاص کنند. یک نکته که در اعتراضات سال گذشته بسیار برجسته بود و الان هم بدرجه ای شاهد هستیم اینست که مردم از این کشاکش ها و رقابتهای مذهبی و قومی و باندها

جانشان به لبشان رسیده، از یکه تازی دستجات و میخواهند خودشان را از شر اینها خلاص کنند. و اینها را عقب برانند و یک جامعه سکولار داشته باشند که از اختلافات و رقابتهای مذهبی و قومی در آن خبری نباشد. این را بارها با شعارهایشان اعلام کرده اند. اینکه چقدر قادر خواهند شد این به این هدف برسند فقط به مردم عراق مربوط نیست. به کل مردم منطقه و اوضاع منطقه از جمله ایران بستگی دارد که ما چقدر میتوانیم جمهوری اسلامی را عقب برانیم یا سرنگون کنیم و چقدر اعتراضات مردم عراق مورد حمایت و پشتیبانی مردم در منطقه و دنیا قرار میگیرد. یک پیوند و همبستگی ای بین مبارزات مردم در منطقه ایجاد شده و وجود دارد که همه اینها با هم میتواند مسائل مردم را حل کند و مردم را به موفقیت برساند. و مسائل اساسی زندگی مردم را حل کند.

حامد صدرا: در مورد رهبری تظاهرات ها صحبت کنیم. احزاب سنتی و جریانات سنتی عراق نقش خاصی در این تظاهراتها ندارند. از طرف دیگر جریانات اسلامی هم همانطور که اشاره کردید قدرت سوار شدن بر

موج اعتراضات را ندارند. چونکه خودشان موضوع اعتراض هستند. با توجه به همه اینها و بدون داشتن یک رهبری سیاسی آیا شانس پیروزی برای این اعتراضات و مبارزات وجود دارد؟

کاظم نیکخواه: ببینید ما در عراق امروز شاهد یک پیشروی مردم هستیم که باید این را به حساب آورد. پیشروی ای که همانطور که شما در ابتدا اشاره کردید خیلی قابل انتظار نبود. مردم دارند یک ظرفیتهایی از خودشان نشان میدهد، یک روشن بینی و پیشرو بودنی که کسی فکر نمیکرد بتواند از میان آن جنگها و تروریسم و داعش و دود و آتش چنین روشن بینی جلو بیاید و اینچنین جنبش انسانی ای سربلند کند. میخواهم بگویم که جامعه عراق از آن تصویری که رسانه های بستر رسمی، رسانه های بورژوازی مثل بی بی سی و امثالهم میدهند بسیار جلوتر است. من امیدوارم که با توجه به اینکه در ایران هم ما شاهد یک جنبش و خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی هستیم، در کنار هم، با هم موازی با هم این جنبشها و خیزشها بتوانند شر جریانات ارتجاعی و قومی و اسلامی را از سر جامعه کم کنند و مردم به زندگی انسانی دست پیدا کنند. گفتم شعاری

که مردم در سال گذشته میدادند این بود "نه سنی، نه شیعی، جامعه سکولار" یا حکومت سکولار. خود این شعار نشان میدهد که مردم در میان این رقابتهای قومی و مذهبی خود را با هیچکدام نمیدانند و میخواهند دست این جریانات را از جامعه کوتاه کنند. ممکن است این اعتراضات امروز به نتیجه نرسد اما واقعیت دارد نشان میدهد که جامعه جلو آمده، مردم عراق جلو آمده و همراه با مردم ایران و پشتیبانی مردم دیگر منطقه میتوانیم از شر این اوضاع خلاص شویم. در عراق خود دار و دوسته و دولت حاکم که از جریانات شیعی است و منفور است، جریانات قومی و اسلامی منفورند. زندگی مردم قربانی اینها شده و مردم بعد از سالها پایمال شدن زندگی و خواستههایشان صدایشان بلند شده. نمیشود پیش بینی دقیقی کرد اما من امیدوارم که بشود در آینده نزدیکی هم در عراق و هم در ایران و کل منطقه شاهد جامعه ای باشیم که اینچنین شیرازه اش پاشیده نباشد، انسانی باشد قابل تحمل باشد. معیشت و آزادی و رفاه و شادی مردم تامین شود.

حامد صدرا: ممنون از شما که در این برنامه همراه ما بودید.



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

شهلا دانشفر

کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند



روز دهم مهرماه حکومت اسلامی و دست اندرکارانش که در طول دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه با انواع ترفند ها سعی کردند که مبارزات آنها را عقب بزنند و راه به جایی نبرند، نیروی انتظامی خود را با سه تن از فرماندهانشان به سراغ این کارگران فرستادند و با تهدید به اخراج و بازداشت از آنها خواستند که بر سر کارشان باز گردند. اما کارگران به اعتراضشان ادامه دادند و روزهای یازدهم و دوازدهم مهر ماه تجمعاتشان برقرار بود.

سپس در روز چهاردهم مهر ماه چهارده نفر از این کارگران هنگامیکه برای مذاکره با نمایندگان مجلس اسلامی به تهران سفر میکردند، بازداشت شدند که باز کارگران در فردای آتروز تجمع برپا کردند و خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان گردیدند و این اعتراضات ادامه دارد.

کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه مبارزات جانانه شان در سال گذشته است که از اول مهرماه امسال در اعتراض به دزدی های پشت پرده تحت عنوان خصوصی سازی و زدن چوب حراج به سهام کارخانه که کار و معیشت این کارگران را به مخاطره انداخته است، دور جدیدی از مبارزه را آغاز کرده اند. این دور از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه از مساله اخراج بیست نفر از کارگران این کارخانه کلید خورد. در برابر این اخراجها کارگران نیشکر هفت تپه متحدانه در تمام بخش ها به میدان آمدند

گفتند، سعی کردند که بلکه بخشی از کارگران را متوهم کنند و صف اعتراض آنان را بشکنند، سعی کردند فضای کارخانه را قبضه کنند، پرچم جمهوری اسلامی را در کارخانه بالا بردند، عکس جنایتکاران منفوری چون خامنه ای، رئیسی و سلیمان قاسمیانی را به جلوی صف کارگران آوردند، اما کارگران صف خود را جدا کردند و شعار اتحاد، اتحاد سر دادند و به اعتراضشان ادامه دادند. در تداوم این اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه موفق به بازگرداندن هفده نفر از همکاران اخراجی خود بر سر کار شدند و با ادامه اعتراضاتشان بر بازگشت به کار سه همکار اخراجی دیگر خود پای فشردند. کارگران اعلام کردند تا بازگشت آنان بر سر کار و آزادی اسماعیل بخشی و پاسخگویی به مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. همین تصویر نشان میدهد که در نیشکر هفت تپه چه جدال جانانه ای در جریان است. طبعاً این اولین بار نیست که رژیم اسلامی نیروی انتظامی خود را به جمع کارگران گسیل میکند و میکوشد با زور و قلدری کارگری را که به خاطر زیر پا گذاشته شدن حق و حقوقش دست از کار کشیده است، سر کار بفرستد. بویژه در کارخانه ای مثل نیشکر هفت تپه، چنین سرکوبگریهایی تاریخی دارد. اما کارگر امروز با شعار "نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد"، دارد از زندگی و معیشتش دفاع میکند. و نه تنها کارگر بلکه این شعار مردم در اعتراضات هر روزه شان است. بعلاوه نیشکر هفت تپه تنها نیست. از جمله وقتی که در نیشکر هفت تپه کارگر مورد تعرض قرار میگردد،

فوری کارگران در جایی دیگر سر بلند میکنند. یک نمونه اش عکس العمل کارگران و جامعه به ماجرای کثیف "مستند طراحی سوخته" حکومت بود. وقتی آن مستند کذایی را به راه انداختند بازنشستگان و معلمان به خیابان آمدند و شعار "مستند، شکنجه، دیگر اثر ندارد" را سر دادند. و یا بعد از تعیین مجازات های سنگین برای بازداشت شدگان نیشکر هفت بود که کارگران هپکو به خیابان آمدند و سرود زیر بار ستم نمی کنیم زندگی را سر دادند و کارگران آذرب نیز با آنها هم نوا شدند. همین هفته در سیزدهم مهر ماه نیز معلمان شاغل و بازنشسته به مناسبت روز جهانی معلم مقابل وزارت آموزش و پرورش جمع شدند و با شعارهایی چون "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "جای معلم زندان نیست"، پیگیر مطالباتشان شده و بر دو خواست تحصیل رایگان و درمان رایگان برای همه کوبیدند و خواستار افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی شدند. این جامعه ای است که ایستاده و کوتاه نمی آید و نمیتواند کوتاه بیاید. برای اینکه معیشت و منزلت و زندگی این مردم زیر چپاول، تعرض و فشار هر روزه قرار گرفته است. در این جامعه فقر بیداد میکند، بیحرمتی بیداد میکند و کارگر با شعار "کارگر بیدار است، از استعمار بیزار" است در برابر این توحش و بردگی ایستاده است. چطور که شکستشان را خودشان دارند هر روزه به صریحترین شکلی دارند به زبان می آوردند و بیانیه حزب سازندگی شان صراحتاً اعلام کرد که سرکوب جواب نداده و

کمونیستها همه جا را گرفته اند. بعلاوه جامعه امروز صریحتر از هر وقتی دارد از سرنگونی سخن میگوید. مردم دارند در مورد برچیده شدن حقوقهای نجومی و از بین رفتن فاصله طبقاتی در سطح جامعه حرف میزنند و با مطالبات رادیکال و انسانی خود دارند جامعه آینده شان را رقم میزنند. همه اینها نشان از جامعه ای دارد که ایستاده است و در برابر سرکوبگری های حکومت کوتاه نمی آید. ممکن است با قشون کشی هایشان حرکتی را دو روز متوقف کنند، ولی کارگران و مردم معترض هر روز سازمانیافته تر و متحد تر به میدان آمده و خواستههایشان را فریاد میزنند. در چنین شرایطی است که کارگران نیشکر هفت تپه دوباره به میدان آمده اند و سر دادن شعار "اسماعیلو گرفتند ما همه بخشی هستیم" پیام تداوم اعتراضاتشان به جامعه است.

نکته مورد تاکید اینجاست که مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را نباید تنها گذاشت. و خوشبختانه تا همین امروز نیز این اعتراضات با همبستگی خوبی پاسخ گرفته است. از جمله در جریان اعتراضات همین مدت، کارگران کاغذ سازی پارس با آنها اعلام حمایت کردند. همچنین در روز ۱۲ مهرماه جمعی از دانشجویان دانشگاههای اهواز، در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه جمع کردند. این همبستگی ها بیش از هر چیز همسرنوشتی طبقاتی در میان کارگران و نود و نه درصدی های جامعه را به نمایش میگذارد. از جمله یک دلیل مهم فراگیر شدن شعار "ما ادامه در صفحه ۹

شهلا دانشفر

موجی از همبستگی با مردم لردگان به راه افتاده است

نامه اعتراضی هفت گروه از بازنشستگان و معلمان در همبستگی با مردم لردگان

فاجعه تکان دهنده ابتلای ۲۵۰ نفر از مردم روستای چنار محمودی در لردگان در استان چهارمحال و بختیاری به بیماری ایدز بخاطر استفاده از سرنگ های آلوده و قصور آشکار و جنایتکارانه دست اندرکاران حاکم گسترده است. مردم این منطقه که عزیزانشان قربانی این فاجعه تکانهنده انسانی شده اند، چندین روز است که خشمگین به خیابان ریخته و در اعتراضند. از جمله روز سیزده مهر شبکه بهداری لردگان را مورد حمله خود قرار دادند. رژیم جنایتکار اسلامی که مردم را در بی تامینی مطلق رها کرده و کل سیستم بر اساس فساد و دزدی و چپاول بنا شده، به جای پاسخگویی به مردم و در هراس از گسترش اعتراضات مردم نیروی سرکوبش را به مقابله با اعتراضات مردم گسیل کرده است. این فاجعه انسانی که جامعه را به تکان در آورده موجی از اعتراض را با خود همراه آورده است. در همین رابطه مردم در شهرهای اصفهان و ایلام با مردم لردگان اعلام همبستگی کرده و دست به اعتراض خیابانی در حمایت از آنها زده اند.

در ادامه همین همبستگی ها امروز چهاردهم

مهر ماه هفت گروه از بازنشستگان و معلمان مرکب از شورای بازنشستگان ایران، معلمان عدالتخواه، گروه بازنشستگان تامین اجتماعی، گروه نوزده اسفند، گروه چالش صنفی معلمان ایران، پیشکسوتان فرهنگی ایران و معلمان پابنده طی بیانیه ای تحت عنوان "کنار مردم لردگان ایستاده ایم" اعتراض خود را به ابتلای ۲۵۰ نفر از مردم روستای چنار محمودی در لردگان به ایدز بخاطر تزریق با استفاده از سرنگ های آلوده و قصور آشکار و جنایتکارانه دست اندرکاران حاکم اعلام داشتند. در این بیانیه ضمن اعلام حمایت از مبارزات مردم معترض قربانی این فاجعه تکان دهنده انسانی چنین آمده است: "حادثه "لردگان" هر دلیلی داشته باشد، مردم حق دارند که انگشت اتهام و تقصیر را بسوی مراکز و نهاد های حکومت از جمله مرکز بهداشت، فرمانداری لردگان و دفتر امام جمعه شهر نشانه روند. چرا که تمامی امکانات و ظرفیت ها و منابع و زیر ساخت ها و نیروی انسانی یک جامعه در اختیار حکومتی ست که وظیفه اش در کنار تامین نیازهای اولیه مردم، سلامت جامعه بعنوان شرایط مناسب بهداشت و درمان و تضمین سلامت مردم هیچ قصور، سهل انگاری و توجیه پذیرفتنی نیست. شناسائی و درمان فوری و با کیفیت این بیماران با هر هزینه ای، اقدام عاجل است. پیگیری کارشناسانه برای پیشگیری از تکرار آن باید در دستور قرار گیرد. کوتاه کردن دست بازار آزاد و بیرون کشیدن نظام سلامت از چرخه سود، و برخورداری همه شهروندان از سیستم

بهداشت و درمان رایگان و مناسب، کارآمد و مدرن برای تضمین سلامت جامعه، حق مردم و از مطالبات اصلی جامعه مدنی ست." در بخش پایانی این بیانیه امضا کنندگان باتاکید بر ریشه یابی اصلی این فاجعه مینویسند: "ما امضا کنندگان این بیانیه، خواهان عدم مداخله پلیس و توقف فوری سرکوب معترضین، حمایت و مداوای فوری و مناسب بیماران، ریشه یابی اصلی این فاجعه، بررسی و ارائه گزارش مستقل و بیطرفانه به جامعه با حضور نمایندگان مردم آسیب دیده هستیم" این همبستگی ها و اعتراضات ادامه دارد. با پیوستن به این صف وسیع صدای اعتراض مردم لردگان باشیم. متن کامل نامه اعتراضی هفت گروه از بازنشستگان و معلمان در همبستگی با مردم لردگان را در زیر میخوانید: _کنار_مردم_لردگان_ایستاده_ایم "خشم لردگان"، دملی که از تن رنجور و بیمار جامعه بیرون زد! فرار از مسئولیت صاحبان قدرت چه بلایی سر کشور آورده؟! روز چهارشنبه ۱۰مهر خبر اعتراض مردم خشمگین روستای چنارمحمودی از توابع شهرستان لردگان در استان چهارمحال و بختیاری تحت عنوان آلوده شدن حدود ۲۵۰ نفر از اهالی این روستا به ویروس (HIV ایدز)، جامعه را تکان داد و پس لرزه هایش تا به امروز ۱۳ مهر، گسترش یافته است. مثل همیشه در چنین مواقعی مسئولین، توجیه گرانه با اظهارات ضدو نقیض، هر عاملی را مقصر میدانند بجز عملکرد و قصورخودشان

را! وزارت بهداشت اطلاعیه میدهد و با محرمانه خواندن موضوع او خاک پاشیدن در چشم مردمی که خون گریه میکنند باز هم مسئولیت را از خود دور کرده و سرش را از تیر خشم مردم میدزدد. قوه قضائیه هم به سبک و سیاق همیشگی فقط برای فروکش کردن این خشم، بدنبال قربانی میگردد و بطور شتابزده با بازداشت فلان بهیار ویا کارمند بهداشت یک روستای دورافتاده که فاقد هرگونه ابزار و امکانات مناسب هست، سعی دارد بدون اینکه به افکار عمومی فرصت بررسی و تشریح کارشناسانه داده شود، خاک برسر این فاجعه بپاشد. سلامت عمومی از سالها پیش بشدت آسیب پذیر شده، و با رویکرد سیاست بازارآزاد به عرصه بهداشت و درمان مردم و ساختار عقب مانده آموزش و پرورش در آموزش پیشگیری در مدارس و رسانه های مسلط، زمینه ها یکی پس از دیگری برای این فجایع آماده میگردد. در حالیکه قدرت اقتصادی و توان معیشتی اکثریت جامعه روز به روز کاهش یافته، امکان دستیابی شهروندان به پیشگیری و درمان بسیار مشکل و محدود شده است. صدای هشدار دهنده منتقدین و جنبش های مردمی که سالهاست فریاد میزنند: "نیاز ما این زمان معیشت است و درمان هم بجائی نرسیده تا به ناگهان حادثه بسیارغم انگیز " روستای چنارمحمود" بعنوان دملی از تن رنجور و بیمار رها شده جامعه، سر برآورد. مردم آشکارا میبینند در حالیکه هزاران میلیارد تومان برای طرح های بی ثمر تحت عنوان " طرح تحول سلامت "

هزینه شده و در واقع کیسه ای برای دزدیهای نجومی تعبیه گردیده، همین صاحبان قدرت و ثروت بی اعتماد حتی به بیمارستانهای خصوصی لاکچری چگونه برای مداوای خود، به کشورهای اروپائی رفته و با پول ملت با برخورداری از پیشرفته ترین امکانات و تجهیزات پزشکی به درمان خود میپردازند، در حالیکه مادری دردمند مقابل بیمارستان نمازی شیراز فریاد میزند: "من یمنم؛ من سوریه‌ام؛ بچه من هم گشنه است! ملت ما گشنه است!" حادثه "لردگان" هر دلیلی داشته باشد، مردم حق دارند که انگشت اتهام و تقصیر را بسوی مراکز و نهاد های حکومت از جمله مرکز بهداشت، فرمانداری لردگان و دفتر امام جمعه شهر نشانه روند. چرا که تمامی امکانات و ظرفیت ها و منابع و زیر ساخت ها و نیروی انسانی یک جامعه در اختیار حکومتی ست که وظیفه اش در کنار تامین نیازهای اولیه مردم، سلامت جامعه بعنوان اولویت اصلی ست. درایجاد شرایط مناسب بهداشت و درمان و تضمین سلامت مردم هیچ قصور، سهل انگاری و توجیه پذیرفتنی نیست. شناسائی و درمان فوری و با کیفیت این بیماران با هر هزینه ای، اقدام عاجل ست. پیگیری کارشناسانه برای پیشگیری از تکرار آن باید در دستور قرار گیرد. کوتاه کردن دست بازار آزاد و بیرون کشیدن نظام سلامت از چرخه سود، و برخورداری همه شهروندان از سیستم بهداشت و درمان رایگان و مناسب، کارآمد و مدرن برای تضمین سلامت

یاشار سهندی نیشکر هفت تپه، مدرسه اعتصاب، مدرسه آگاهی

دو هفته از دور جدید اعتصابات هفت تپه گذشت. در این دور اعتصابات سکوی در هفت تپه که از طرف کارگران "سنگر" خوانده میشود تجربه تازه ای را در جنبش کارگری ایران ثبت کرد. با بازداشت اسماعیل بخشی جمهوری اسلامی سرمایه فکر کرد که صدای کارگران قطع شده و دیگر کسی "جیگ اش" در نمی آید. به نظر میرسید که اینگونه است، اما وقایع این دو هفته اخیر ثابت کرد که هفت تپه خاموش نشده بود بلکه حکم آتش زیر خاکستر را داشت. در این دو هفته کارگران هفت تپه نگذاشتند که سنگری که اسماعیل بخشی ساخته بود خالی بماند و یکی بعد از دیگری رفتند روی سکوی و فریاد اعتراض شان به آسمان رسید. یازده نفر از ایشان که عازم تهران بودند در میان راه زبوانه ربه شده شدند و سه نفر دیگر در خود هفت تپه بازداشت شدند و باز فدای آن کارگران در پای سنگر حاضر شدند. خواسته هایشان را به دیوارسنگر کوبیدند. سخنرانی کردند با هم بحث کردند و به هم توصیه کردند که اتحاد شان را نباید از دست بدهند. کارگران هفت تپه به قدرت خود واقف شده اند که بیان آن را در سخنان یکی از کارگران هفت تپه (یوسف بهمنی) شاهد هستیم: "حریف حریف قدریه، اما ما با هم بودیم به زانو در آمد، هر موقع در کنار هم بودیم هیچکس نتوانست

کاری بکنه... اسماعیل بخشی تکثیر شده است. نمایندگان بزدل سرمایه که پشت نیروهای مسلح قایم شده است این جای کار را نخوانده بود که کارگر هفت تپه کارگر قدریه.

"این سنگر مرام داره"، "کارگر عزت داره" اینها و بسیار بیشتر از این جملات نشانه گویایی است که کارگر هفت تپه نه تنها به سخنگوی خود بلکه کارگران هیکو و آذرب و فولاداهواز و کل کارگران ایران تبدیل شدند. "مقام معظم رهبری" و "رئیس محترم قوه قضاییه" بهتر از هر کسی میدانند که کارگران میدانند حریف قدر خود ایشان هستند که استاندار خوزستان هراسان دستور بازداشت و ربودند کارگران را در میان راه میدهد. حریف قدر متوجه است که کارگر در ایران نه تنها خاموش نیست بلکه دارد بر سر او فریاد میکشد وقتی خواستار این است بساط خصوصی برچیده شود امری که به دستور اکید "معلم له" و کل دستگاه دولتی به اجرا در آمده است. حریف قدر واقعا ثابت کرده است که درمانده و بیچاره است که هر روز اقدام به دستگیری کارگران میکنند و فرمایش کارگر دیگر بر سکوی سنگر حاضر میشود و کارگران در آن سنگر تجمع میکنند. میگویند اعتصاب مدرسه انقلاب است باید این سخن را تکمیل کرد و افزود اعتصاب مدرسه آگاهی بخشی است. در جریان اعتصاب است که کارگر متوجه میشود حریفی که تا دیروز او را تک گیر می آورد و تا میتوانست تحقیرش میکرد و از او کار میکشید اکنون میتواند با نیروی که در پشت سر خود حس میکند سر حریف داد بزند که "خودت نفهمی!" کارگری که تا دیروز

اسیر آمار و ارقام دستگاههای بورژوازی و سخنان سخنگویان و کاربردستان سرمایه میشد اکنون در پس هر جمله آنها میتواند منافع شخصی و طبقاتی ایشان را تشخیص دهد. نمونه اش پیام یکی از کارگران هفت تپه را بخوانیم که نوشته است: "دو تا بهمنی داریم. یکی یوسف بهمنی، کارگر و مدافع کارگر و اون یکی بهمنی، رئیس پلیس امنیت و فاسد و ملعون و نوکر اسدیگ فاسد و دزد. فرق این دو تا زیاد. فرض کنیم این دو تا الان با هم بحثشون شده. به نظر من نه تنها جواب یوسف بهمنی عزیز بلکه جواب هر کارگر هفت تپه این روزها همیناست که میشه به بهمنی بشرف گفت:

اون بهمنی فاسد و ملعون داره به اون بهمنی با شرف میگه چرا تو اعتصاب سخنرانی کردی؟ این یعنی ضد نظام! بهمنی با شرف میگه بچه میترسونی؟ تجمع حق ماست. اتفاقا ما محافظ امنیت جامعه هستیم اما تو چی؟ کارگر رو سرکوب میکنی و در خدمت دزدا و فاسدا هستی! بهمنی فاسد میگه: این حرفا رو از کجا یاد گرفتید شما کارگرای هفت تپه؟ بهمنی باشرف میگه: هفت تپه خودش دانشگاهه! ما دکترای اقتصاد داریم، دکترای حقوق داریم، دکترای شرافت داریم، دکترای تسلیم نشدن در مقابل حرف زور داریم. کارگر هفت تپه آگاهانه است. اگر تا دیروز بحث "آگاهی طبقاتی" در میان فعالین و پیشروان کارگری مطرح بود اکنون هفت تپه نمونه گویایی است که آگاهی دارد در میان توده کارگر دارد شکل میندند. کافی است کارگر از زنجیر فرد بودن رها شود به سرعت فرا خواهد گرفت که کجای روزگار ایستاده است و چه ها که نمی تواند بکند.

پیام همکار - انتشار: کانال مستقل کارگران هفت تپه

دو تا بهمنی داریم. یکی یوسف بهمنی، کارگر و مدافع کارگر و اون یکی بهمنی، رئیس پلیس امنیت و فاسد و ملعون و نوکر اسدیگ فاسد و دزد. فرق این دو تا خیلی زیاد. فرض کنیم این دو تا الان با هم بحثشون شده. به نظر من نه تنها جواب یوسف بهمنی عزیز بلکه جواب هر کارگر هفت تپه این روزها همیناست که میشه به بهمنی بشرف گفت:

اون بهمنی فاسد و ملعون داره به اون بهمنی با شرف میگه چرا تو اعتصاب سخنرانی کردی؟ این یعنی ضد نظام! بهمنی با شرف میگه بچه میترسونی؟ تجمع حق ماست. اتفاقا ما محافظ امنیت جامعه هستیم اما تو چی؟ کارگر رو سرکوب میکنی و در خدمت دزدا و فاسدا هستی! بهمنی فاسد میگه: این حرفا رو از کجا یاد گرفتید شما کارگرای هفت تپه؟ بهمنی باشرف میگه: هفت تپه خودش دانشگاهه! ما دکترای اقتصاد داریم، دکترای حقوق داریم، دکترای شرافت داریم، دکترای تسلیم نشدن در مقابل حرف زور داریم. کارگر هفت تپه آگاهانه است. اگر تا دیروز بحث "آگاهی طبقاتی" در میان فعالین و پیشروان کارگری مطرح بود اکنون هفت تپه نمونه گویایی است که آگاهی دارد در میان توده کارگر دارد شکل میندند. کافی است کارگر از زنجیر فرد بودن رها شود به سرعت فرا خواهد گرفت که کجای روزگار ایستاده است و چه ها که نمی تواند بکند.

کن. شماها که فامیلی واقعبتون رو نمیذارید رو خودتون انقدر که از مردم میترسید. آبروی همه بهمنی ها رو بردی. بعدشم داد زدن فایده نداره. چند هزار کارگر رو میخوای دستگیر کنی؟ اول که نمیتونی بعدش هم الان من سخنرانی نکنم یکی دیگه میکنه. ده تا دیگه صد تا دیگه. بهمنی فاسد و نوکر اسدیگ حرفی برای گفتن نداره. میره با رئیساش مشورت میکنه برمیگرده میگه: حرف آخرتون چیه؟ چه مرگتونه قراره حقوق تون رو واریز کنن دیگه دست بردارید برید برا من خیلی بد شده شماها دائم اعتصاب میکنید. آبرو من رو پیش رده بالاها بردید هی به من میگن تو بی عرضه هستی. بهمنی با شرف میگه شماها حقوقتون از جیب همین مردمه بعد میاید همین مردم رو سرکوب میکنید؟ فکر کردی ما گداییم که با یک حقوق بشنیم خونه؟ یا سرمون رو بندازیم پایین هر روز ببینیم شرکت داره نابود میشه؟ ما حقمون رو میخواییم. شرکتمون رو میخواییم. این خصوصی سازی باید جمع بشه. بهمنی فاسد میگه: دیگه کاریه که شده. میخواید یک بخش خصوصی دیگه بیاریم؟ بهمنی فاسد تو دلش با خودش میگه البته این اسد بیگ خیلی خوبه سبیل منو که حسابی چرب کرده. بهمنی فاسد به بهمنی باشرف میگه: این چه وضعشه؟ مستولا قول دادن پیگیری کنن. بذارید از راه قانونی، کارتون پیگیری بشه انقدر اعتصاب نکنید. بهمنی باشرف میگه: راه قانونی؟ از این حرفا هم بلدی؟ اتفاقا تو که دستگیر میکنی کار غیر قانونی میکنی! کار ما قانونیه. بعدشم وعده وعید خیلی ادامه در صفحه ۹

کشتار ۶۷ یک جنایت بزرگ علیه بشریت بود گفتگو با کاظم نیکخواه

شهلا خباز زاده: به نظر شما دلائل سیاسی اجتماعی کشتارهای تابستان ۶۷، در این ابعاد هزاران نفره چه بود؟

کاظم نیکخواه: کشتار ۶۷ به مفهوم دقیق کلمه یک جنایت علیه بشریت بود. این یکی از جنایات گسترده و عظیم جمهوری اسلامی برای عقب راندن آزادیخواهی و حق طلبی و نفس اعتراض در جامعه بود. دار و دسته خمینی که بعدا به عنوان حکومت اسلامی سر کار کشیده شد، از یک مشت عناصر بی نهایت مرتجع، ضد بشری، بیرحم و جنایتکار تشکیل میشد. این باند عقب مانده و خون آشام را قدرتهای جهانی سرمایه داری سر کار کشیدند تا انقلاب مردم را خفه کنند و مانع این شوند که فضای جامعه انسانی شود و مردم به اهداف آزادیخواهانه شان برسند. دلیل اصلی این کشتار از همین ماهیت و ماموریت کثیف این جماعت ناشی میشد. کشتار ۶۷ اولین کشتار و جنایت گسترده این حکومت نبود. قبل از آن در سال شصت دستگیری و کشتار وسیعی را به جریان انداختند و بسیاری از عزیزان مردم را با بیرحمی تمام اعدام و کشتار کردند. اما کشتار ۶۷ از نظر ابعاد گسترده آن و بیرحمی جنایتکاران حاکم در زندانها و سرعت این کشتارها واقعا بی سابقه بود. یک مشت آدمکش بیرحم را به جان

زندانیان بی دفاع که در خیابانها شکار شده بودند انداختند و موج آدمکشی باور نکردنی ای را در پشت دیوارهای زندانهای متعدد در تهران و شهرهای دیگر براف انداختند و هزاران و دهها هزار نفر از جوانان و مردم را در عرض دو سه ماه تابستان ۶۷ به دستور خمینی به قتلگاه فرستادند.

دلیل این کشتار جدا از ماهیت حکومت، شکست جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق و پایان جنگ بود که یک فضای اعتراضی را ایجاد کرده بود. اقتصاد فلج و بحران زده بود. مردم بعد از هشت سال جنگ ویرانگر و ویرانیه و کشتارهای این جنگ، خسته و عصبانی بودند. اعتراضاتی در شهرها و مناطق مختلف به جریان افتاده بود. زمزمه گسترش اعتراض بالا بود. مردم از اینهمه کشتار و ویرانی خشمگین بودند. خواستههای مشخص و روشنی داشتند که با پایان جنگ و تضعیف حکومت به اشکال مختلف در سطح جامعه شروع به بیرون زدن کرده بود. جمهوری اسلامی کل موجودیت خود را در خطر میدید. در داخل زندانها نیز زندانیان دست به اعتراضات زیادی میزدند و خواستههایشان را مطرح میکردند. دست اندرکاران و مقامات حکومت بشدت خود را زیر فشار می دیدند و روحیه خود را باخته بودند. در این شرایط بود که خمینی با هدف اینکه کلا پدیده ای بنام زندانی سیاسی را از بین ببرد دستور کشتار زندانیان سیاسی را داد. میخواستند بقول خودشان سر موضعی ها را اعدام کنند و باقی ماندگان را آزاد کنند. از افراد منتسب ادامه در صفحه ۱۰

از صفحه ۶

کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند

همه بخشی هستیم" در کوران اعتراضات این کارگران در سال گذشته، اینست که نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری است و با خودش گفتمانهای آزادیخواهانه، برابری طلبانه و آلترناتیو شورایی را به جلو آورد و با این گفتمان جنبش کارگری و کل جامعه را با خود گام مهمی به جلو کشید.

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا مورد حمایت قرار گیرد. با بیانیه هایمان، با انعکاس صدای اعتراض این کارگران در سطح جهانی، با اعتراضات همزمان و همصدا با این کارگران، همبستگی خود را با آنان اعلام کنیم و اجازه ندهیم که رژیم اسلامی با ترفندهایی چون ایجاد تفرقه در صفوف اعتراضی کارگران و مخدوش کردن این مبارزات و با تهدید و ارباب و قشون کشی هایش اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه را به عقب زند. قاطعانه در کنار این کارگران بایستیم.*

از صفحه ۷

موجی از همبستگی با مردم لردگان به راه افتاده است

جامعه، حق مردم و از مطالبات اصلی جامعه مدنی ست. "ما امضا کنندگان این بیانیه، خواهان عدم مداخله پلیس و توقف فوری سرکوب معترضین، حمایت و مداوای

از صفحه ۸

نیشکر هفت تپه، مدرسه اعتصاب، مدرسه آگاهی

دادن. چند ساله داره قول میدن. وقتی اعتصاب و تجمع میشه سر و کله شون پیدا میشه چهار تا قول میدن و کت و شلوار و ریش و سیبیل و عمامه گرو میذارن حتا دست کارگر رو هم می بوسن و بعد میرن سر پست و مقام خودشون. تازه تشویق هم میشن که آفرین خوب شد کمک کردی یه تعدادی از کارگران فریب بخورن و اعتصاب تمام بشه. قول فایده نداره. بحث خصوصی باید جمع بشه. شرکتی که اموال عمومی رو که نمیدن به یک نفر. شرکت هفت تپه اموال عمومی. مال کارگراست. مال دولت هم نیست که به فک و فامیلای خودشون بذل و بخشش کنن. این اعتراض و اعتصاب حق قانونی ماست. در قانون اساسی هم گفته شده. تا زمانی هم که خصوصی سازی لغو نشه ادامه داره. این حرف من تنها هم نیست. فکر کردی منو بگیردی دیگه این حرفا تموم میشه؟ من حرف همکارام رو تکرار کردم. حرف همه ماست. بهمنی فاسد که نمیدونه چی باید بگه خفه

خون گرفته. بهمنی فاسد الان که این متن رو میخونه داره خودش رو جر میده. هنوز جر دادن اصلی رو ندیدی. کارگر هفت تپه آگاه. ما همه دکترای اقتصاد و اعتصاب و شرف و تسلیم نشدن داریم. مطمئن باش کارگرا و مردم پاداش اینهمه خوش خدمتی به اسد بیگ فاسد رو بهت خواهد داد.

بهمنی باشرف پیش خودش خیالش راحت که هر کاری کرده قانونی بوده و در دفاع از همکاراش بوده. خیالش راحت که همکاراش تا همه دستگیر شده ها رو آزاد نکنن دست برنمیدارن. بهمنی فاسد در حد مرگ ترسیده که حالا که کارگرا قراره بیان تو شهر راهپیمایی چه خاکی باید تو سرش بگیره.

یه بهمنی افتخار میکنه به کارش ما هم بهش افتخار میکنیم ولی اون یه بهمنی فاسد کارش بی شرف بازی و کمک به فاسدست. دو تا بهمنی داریم. یکی کارگر باشرف و در دفاع از حقوق همکاراش و مردم منطقه دستگیر شده یک بهمنی فاسد و بی شرف که نوکر اسدبیگ و فاسدست.*

فوری و مناسب بیماران، ایران
۲. معلمان عدالتخواه
۳- گروه بازنشستگان
تأمین اجتماعی
۴- گروه نوزده اسفند
۵- گروه چالش صنفی

ما در کنار مردم لردگان
ایستاده ایم و به مقاومت و
ایستادگی آنان درود
می فرستیم.
۱. شورای بازنشستگان
۲- معلمان ایران
۳- پیشکسوتان فرهنگی
ایران
۷- معلمان پاینده

از صفحه ۹

کشتار ۶۷ یک ...

به مجاهدین شروع کردند و در عرض یکی دو ماه اکثریت آنها را کشتار کردند. بعد سراغ کمونیستها و دیگر جریانات رفتند و با خونسردی و بیرحمی دست به یک نسل کشی زدند که در تاریخ بشری کم سابقه است.

شهلا خباز زاده: به نظر شما رژیم جمهوری اسلامی تا چه حدی توانست با این کشتار زندانیان تأثیری بر پیشروی احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و کمونیست بگذارد و مانع ایجاد کند؟

کاظم نیکخواه: ابعاد این کشتار بهت آور بود. باور کردنی نیست که در عرض دو سه ماه ده ها هزار نفر سر به نیست شوند. نه فقط سازمانهای سیاسی بلکه کل جامعه با اینکه از این جنایات دقیقاً خبر نداشت بهت زده شد. حالت درنده خویی و گستاخانه ای که حکومت علیه هرگونه اعتراض و مبارزه مردم به خود گرفت، جامعه را به نحو باور نکردنی ای در شوک فرو برد. این جنایت یک عقبگرد جدی به کل جامعه تحمیل کرد. اعتراضات را عقب راند. سازمانهای سیاسی را دچار تشتت و در هم ریختگی کرد. حکومت اسلامی توانست هر صدای اعتراضی را خفه کند. نه فقط در داخل زندانها کشتار کردند، بلکه فضای سرکوب و خفقان را در کل جامعه تشدید کردند. روشن است که این کشتار نه فقط بر تحرک و فعالیت سازمانهای سیاسی تأثیر جدی ای گذاشت، بلکه نفس موجودیت آنها را زیر سوال برد. بسیاری از سران جریانات سیاسی دستگیر و اعدام شدند. این کشتارها یک

فضای سنگین سکوت و سکون را بر جامعه حاکم کرد. جمهوری اسلامی موفق شد با این کشتار خود را از نابودی نجات دهد. چند سال طول کشید تا اینکه کم کم اعتراضات کارگران و معلمان و بخشهای دیگر مردم مجدداً شروع شد. سازمانهای سیاسی کلاً از جامعه جaro شدند و باقیمانده رهبران آنها ناچار شدند به خارج از مرزها کوچ کنند. کردستان تنها سنگری بود که تا سالها بعد فضای انقلاب و آزادیخواهی در آن حراست شد و با تعرضات حکومت مقابله گردید. بهرحال تأثیر این کشتار بسیار از حیثه فعالیت سازمانهای سیاسی فراتر میرفت. نفس اعتراض، نفس حق طلبی، نفس انسانگرایی و رادیکالیسم مورد تهدید جدی قرار گرفت. جامعه آمادگی مقابله با چنین تعرض خونینی را آنهم درست بعد از یک انقلاب آزادیخواهانه نداشت.

شهلا خباز زاده: امروز در سطح بین المللی جامعه جهانی و بشر متمدن با این اتفاق بغایت دردناک تاریخ ایران، تا چه حدی آشنایی دارد؟ و چگونه برخورد میکند؟

کاظم نیکخواه: متأسفانه دنیا هنوز چندان با این جنایت آشنا نیست. آن زمان مثل امروز اینترنت و مدیای اجتماعی وجود نداشت. تکنولوژی ارتباطاتی مثل امروز پیشرفته نبود. بحرانهای بلوک شرق شروع شده بود و تبلیغات و توجه ها بیشتر به آن سمت بود. رسانه ها علاقه ای به اینکه به سمت ایران توجه جدی بکنند نداشتند. کلاً کشتار ۶۷ در سطح دنیا فکر میکنم هنوز که هنوز است چندان شناخته شده نیست. ابعاد آن برای خود

مردم ایران هم چندان روشن نیست. شاید با سرنگونی جمهوری اسلامی و گشوده شدن اسناد جنایات جمهوری اسلامی بشریت بفهمد چه جنایت وحشتناکی در آن سال و کلاً آن دهه صورت گرفت. جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش علیه مردم دست به جنایت زد اما کشتار ۶۷ ابعادی باور نکردنی داشت و جوانان بسیاری را نابود کرد. حقیقت اینست که یک مقداری فضای بین المللی هم بر اینکه این جنایت و دیگر جنایات جمهوری اسلامی بازتاب گسترده در سطح جهان پیدا نکند تأثیر دارند. رسانه ها و جریانات راست مصلحت گرایانه با جمهوری اسلامی برخورد میکنند و بسته به مصلحت جنبه هایی را برجسته میکنند و جنبه هایی را نادیده میگیرند. رسانه های به اصطلاح چپ هم این جنایات را چندان بازتاب نداده اند.

نمونه هایی مثل تریبونال بین المللی علیه جمهوری اسلامی به افشای این جنایت بسیار کمک کرده اند. اما هنوز کافی نیست. من فکر میکنم با انقلاب علیه جمهوری اسلامی است که دنیا با شنیدن ابعاد جنایات حکومت اسلامی شوکه خواهد شد.

نکته مهم اینست که امروز جمهوری اسلامی در سطح جهان به عنوان ستون ارتجاع و عقب ماندگی شناخته میشود و مورد نفرت اکثریت مردم جهان است. برای نمونه خیزش ۸۸ و خیزش دی ماه سال ۹۶ بسیار مورد توجه مردم دنیا قرار گرفت و مردم تازه متوجه شدند که این حکومت تا چه حد در داخل ایران مورد نفرت و خشم اکثریت مردم است. این خیزش ها به درجه زیادی

چشم ها را باز کرد و مردم دنیا را متوجه جنایات حکومت اسلامی نیز نمود. اما هنوز دنیا نمیداند که جمهوری اسلامی از نظر ابعاد جنایاتش با حکومت پینوشه و سورهارتو و هیتلر قابل مقایسه است. اما فکر میکنم چندان از این فاصله نداریم.

شهلا خباز زاده: با توجه به گذشت سه دهه از این واقعه وظیفه ما کمونیستها در برخورد با این فاجعه چیست؟ **کاظم نیکخواه:** اوضاع امروز جامعه نسبت به دوره تاریکی که در آن جنایت ۶۷ صورت گرفت خیلی متفاوت است. مردم بسیار جلو آمده اند و توازن قوا به زیان حکومت و به نفع مردم بطور جدی عوض شده است. جامعه دارد از مبارزه و اعتصاب و اعتراضات میجوشت. این اوضاع بسیار امید بخش و شورانگیز است. سرنگونی جمهوری اسلامی در چشم انداز اوضاع سیاسی جامعه قرار گرفته است. در جهت تقویت این اوضاع باید تلاش کنیم. اساس کار ما باید این باشد که جامعه از شر حکومت اسلامی سرمایه داران خلاص شود. در مورد این جنایت عظیم و باور نکردنی و کل جنایات حکومت بنظم باید ظرفیتهایی را متوجه بود. باید کاری کنیم که مردم مرعوب نشوند. اتحادشان تقویت شود. خشم و نفرتشان به سمت یک جدال و مبارزه حساب شده هدایت شود. جامعه الان در حال مبارزه ای

هر روزه علیه حکومت و کل سرمایه داران و مفتخوران حاکم است. این فضا را باید تقویت کنیم و در سایه آن و بر متن پیشروی این مبارزه به کشتار ۶۷ نیز در جای خودش بپردازیم. صدها هزار خانواده داغدار هستند. هزاران نفر عزیزان و دوستان و همکلاسی ها و رهبران و معلمان و همسایگان خود را در این جنایت از دست داده اند. این جمعیت عظیم را باید دریافت. باید با آنها همدردی کرد. میتوانیم آنها را برای تقویت جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بسیج کنیم. انرژی آنها باید به این سمت کانالیزه شود. خشم آنها در این راه به هم پیبوندند. من اطمینان دارم که روزی که از شر حکومت اسلامی سرمایه داران خلاص شویم چندان دور نیست و در آن روزهای آزادی، یاد همه عزیزانمان را در کل جامعه گرامی خواهیم داشت. و جامعه ای آزاد و مرفه شاد بر ویرانه این حکومت برپا خواهیم کرد. جامعه ای که رسیدن به آن بدون تردید هدف و آرزوی همه جوانان و مردان و زنانی بوده است که بر زندگی شان بدست حکومت خونخوار اسلامی نقطه پایان گذاشته شد. خود را در کنار خانواده های جانباختگان بدانیم، با آنها ابراز همبستگی کنیم، با آنها باشیم و خشم آنها را در جهت تقویت جنبش سرنگونی کانالیزه کنیم. این بهترین گرامی داشت یاد جانباختگان است.*

انترناسیونال**نشریه حزب کمونیست کارگری****سردبیر: خلیل کیوان**

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اطلاعیه کمیته بین المللی علیه اعدام بمناسبتده اکتبر روز جهانی علیه اعدام

ده اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، فراخوانی است به همه ما که علیه اعدام هر جا که این جنایت دولتی همچنان برقرار است بپا خیزیم و دنیا را از این وحشیگری قرون وسطایی نجات دهیم. این شدنی است چرا که مردم متمدن در بیش از صد کشور جهان به اعدام پایان داده اند. این شدنی است چرا که بشریت نشان داده است که می تواند جوامعی بدون اعدام داشته باشد. بنا به یک آمار تا سال ۱۹۴۸ در تمام دنیا بجز ۸ کشور اعدام برقرار بود. طبق آخرین آمار اکنون در بیش از ۱۰۰ کشور دنیا از اعدام خبری نیست. همین آمار نشان می دهد که اعدام، این قتل عمد دولتی، بردوام نخواهد ماند و با پشتوانه مبارزه و اعتراض مردم دنیا در همه جا بساطش برچیده خواهد شد.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اعدام از همان ابتدای روی کار آمدن حکومت تا به امروز به بخشی از موجودیت پر از جنایت حکومت اسلامی تبدیل شده است بطوریکه این رژیم بدون اعدام نمی تواند زنده بماند. هدف ما بعنوان کمیته بین المللی علیه اعدام این است که "مجازات اعدام" از کلیه

قوانین کیفری و جزایی حذف شود و این عمل شنیع و ضد انسانی رسماً و قانوناً ممنوع گردد. ما در عین حال تلاش میکنیم که موج اعدامها در ایران که اساساً بعنوان وسیله ای برای مرعوب سازی جامعه و مردم معترض بکار گرفته می شود، فوراً متوقف شود و همه احکام اعدام لغو گردند.

در مورد جمهوری اسلامی بکارگیری اعدام نه فقط معنای سلب حیات از انسانها را دارد بلکه یک تعرض به حقوق اساسی مردم است. چرا که در ایران مخالفین سیاسی اعدام می شوند. جمهوری اسلامی دستش به خون هزاران زندانیان سیاسی که در دره شصت شمسی و صدها زندانیان سیاسی دیگر که در دهه های بعد اعدام شدند، آغشته است. در جمهوری اسلامی بی خدایان، همجنسگرایان، روزنامه نگاران، بهائیان که دین و باور دیگری دارند و مردم معترضی که به مخالفت علیه نظام اسلامی پرداخته اند، اعدام می شوند. اعدام در جمهوری اسلامی به معنای دشمنی با آزادیهای سیاسی و مدنی

شهروندان و حقوق پایه ای آنها در برپایی اعتراض، تجمع و تحزب و تشکل یابی است. از همین رو مبارزه علیه اعدام بخشی از مبارزه مردم برای دستیابی به آزادی است.

تا آنجایی که به استفاده از اعدام در مواجهه با جرایم جنایی بر می گردد نیز جمهوری اسلامی مسبب و عامل اصلی همه مصائب و مشقات مردم است که راه را برای افزایش درد و خون در جامعه و گسترش بزهکاری هموار کرده است. وقتی که دزدی و اختلاس تمام حکومت را فرا گرفته است، زمانی که حکومت خود عامل اصلی خشونت و شکنجه و زندان و اعدام است، چه انتظاری از داشتن یک جامعه سالم می توان داشت؟ در اینجا نیز جمهوری اسلامی سعی دارد که با گرفتن جان قربانیان این نظام سرتاپا فاسد نقش اصلی خود را در به لجن کشیده شدن جامعه انکار کند. از نظر ما و مردم آزادیخواه، جمهوری اسلامی عامل گسترش هر نوع جرم و جنایتی در جامعه است و این حکومت است که به دلیل به

خاک سیاه نشانیدن مردم ایران و جنایت و نسل کشی و تحمیل فقر و فلاکت عمومی باید بر صندلی محاکمه نشسته شود.

و بالاخره باید اضافه کنیم که به دلیل وجود یک سیستم قضایی بشدت جنایتکارانه و فرمایشی بودن دادگاههای جمهوری اسلامی که بدون کمترین استانداردهای شناخته شده بین المللی و انسانی حکم صادر می کنند، همه احکام صادر شده از جانب این دادگاهها باطل است و هیچگونه اعتباری ندارند.

ما می خواهیم کاری کنیم که جامعه ایران بجای اینکه در نظارافکار جهانی با حکومت ترور و اعدام جمهوری اسلامی تداعی شود با مردمانی شناخته شود که می خواهند اعدام ور بیفتند و پیشروترین موازین و مقررات انسانی در جامعه بر قرار شود. در سالهای گذشته ما شاهد عروج نیرویی بوده ایم که نگاه دیگری به مجازات، جرم و رسیدگی به جرم و حق حیات دارد و هدفش را حذف اعدام از جامعه قرار داده است. برای

رسیدن به این هدف طبعاً باید جلوی موج اعدامهای جمهوری اسلامی متحدانه بپایستیم. باید خواستار لغو همه احکام اعدام در ایران شویم. باید بکوشیم که هر چه بیشتر شبکه های مردمی علیه اعدام را گسترش دهیم. باید به کمک خانواده های محکومین به اعدام بشتابیم و آنها را تنها نگذاریم. باید به قوانین قصاص جمهوری اسلامی نه بگوئیم. باید شعار "اعدام قتل عمد دولتی است" و "نه به اعدام و آری به زندگی" را در همه جا طنین انداز کنیم.

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و با سرنگونی آن باید اعدام و قصاص و سایر مجازات های جنایتکارانه ممنوع شود. با سرنگونی جمهوری اسلامی و گسترش رفاه و آزادی های سیاسی و اجتماعی باید ریشه های خشونت و بزهکاری را خشکاند و جامعه ای را بنا نهاد که حرمت جان و زندگی انسان را پاس می دارد.

کمیته بین المللی
علیه اعدام
۱۵ اکتبر ۲۰۱۹
۱۳ مهر ۱۳۹۸

و شرط آزاد شوند و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان مسدود گردد.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
شهلا دانشفر
۱۴ مهرماه ۹۸
شهلا دانشفر
<http://free-them-now.com/>

سال حبس محکوم شده است و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر است که یازده سال حکم دارد. سپیده قلیان، عاطفه رنگریز، بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و روز جهانی کارگری و دیگر زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید

سپیده قلیان و عاطفه رنگریز صدای اعتراض زندانیان قرچک تحصن آنها با موفقیت پایان یافت

زندانیان قرچک شدند. سپیده قلیان خبرنگار جوانی است که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه و صحنه گذاشتن بر کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه زندان و شکنجه و سخن گفتن از آنچه بر سر خودش در زندان آمده است، به هجده

با موفقیت به تحصن خود پایان دادند. بنا بر خبرها سلول های انفرادی زندان قرچک امکانات بسیار محدود و وضعیت اسف باری دارند و این دو زندانی سیاسی نسبت به نگهداری زندانیان در چنین سلولهایی اعتراض کردند و صدای اعتراض

روز سیزدهم مهرماه سپیده قلیان و عاطفه رنگریز زندانیان سیاسی در زندان قرچک، در اعتراض به انتقال دو زندانی جرائم عادی به سلول انفرادی (صغری افتخاری و اکرم بایرامی)، دست به تحصن زدند. در پی تحصن سپیده و عاطفه و اعتراض دیگر زندانیان روز چهاردهم مهرماه این دو زندانی از سلول های انفرادی خارج شدند. بدین ترتیب سپیده قلیان و عاطفه رنگریز

آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری؛



سایت حزب: www.wpiran.org

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

تلگرام: https://telegram.me/wpi_hkki

کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ایمیل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: [@sazmande](https://t.me/sazmande)

سایت: www.sazmandeh-wpi.com

کمیته کردستان حزب

سایت: www.iskraa.net

تلگرام:

<https://t.me/komitekordestan>

ایمیل:

nasan.nodinian@gmail.com

فیسبوک

www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi

کمیته آذربایجان حزب

ایمیل:

komiteazarbaijan76@gmail.com

فیس بوک:

facebook.com/sahandazadiwpi

کانال تلگرام: [@KSahand](https://t.me/KSahand)

کانال تلگرام انجمن مارکس:

<https://telegram.me/anjomanmarx>

تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلگرام: kanaljadid@

پیامگیر: 0013108569897

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

markazi.wpi@gmail.com

کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: komitexarej@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام:

https://telegram.me/jk_org/

اینستاگرام:

<http://instagram.com/javanan.komonist>

فیسبوک:

<https://www.facebook.com/cyo.sjk>

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

احضار آئینشا اسداللهی به دادگاه

روز دهم مهرماه طی تماسی که با وثیقه گذار آئینشا اسداللهی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر گرفته شده، او به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران احضار شد. آئینشا در تجمع اول مه روز جهانی کارگر در مقابل ساختمان مجلس بازداشت و پس از چند روز با قرار وثیقه آزاد شده بود. او در تاریخ ۲۸ خردادماه مجدداً بازداشت و پس از حدود ۵۰ روز در پانزدهم مرداد ماه با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی تا پایان مراحل دادرسی اش از زندان اوین آزاد شده بود. گرامیداشت روز جهانی کارگر حق مسلم کارگران و همه مردم است. برای دیگر بازداشت شدگان روز جهانی کارگر پرونده های قضایی تشکیل شده و برای آنان احکام سنگین زندان و بعضاً حکم شنیع شلاق صادر شده است. هم اکنون ندا ناجی، مرضیه امیری، عاطفه گریز بازداشت شدگان روز جهانی کار در زندانند و کارزار برای آزادی آنها و لغو احکام امنیتی صادر شده برای تمام بازداشت شدگان این روز و بسته شدن پرونده هایشان در جریان است. برگزاری مراسم روز جهانی کارگری حق مسلم کارگران و همه مردم است. وسیعاً به این کارزار بپیوندیم.

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

شهلا دانشفر

۱۰مهرماه ۹۸شهلا

دانشفر

<http://free-them-now.com/>

احضار ناهید خداجو به دادگاه

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران روز دهم مهرماه جلسه رسیدگی به اتهامات ناهید خداجو عضو این تشکل کارگری در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. در این جلسه قاضی شعبه به همراه نماینده دادستان اتهامات وارده بر علیه ناهید خداجو مشتمل بر "اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور" و "اخلال در نظم و آسایش عمومی" را اعلام نموده و با استناد به شرکت وی در تجمع روز جهانی کارگر در مقابل مجلس و عضویت در تشکل اتحادیه آزاد کارگران ایران و نیز برگزاری تجمع در سالهای گذشته در مقابل مجلس توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش داشتند که اتهامات فوق را اثبات نمایند. در مقابل ناهید خداجو به همراه وکیل خود منیژه محمدی باردا اتهامات وارده و دفاع از حق خواهی و مطالبه گری کارگران و بازنشستگان به دفاع از خویش پرداختند. ناهید خداجو در دفاعیه خود از حق برگزاری روز جهانی کارگر به عنوان حق مسلم کارگران دفاع کرد. محاکمه ناهید خداجو بخاطر شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و عضویتش در اتحادیه آزاد کارگران و مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران از مصادیق بارز امنیتی کردن مبارزات است. پرونده تشکیل شده برای او و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً بسته شود.

کمپین برای

آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

۱۰مهرماه ۹۸شهلا

دانشفر

<http://free-them-now.com/>